

کاربرد الگوی تدریس مریل در آموزش زبان و ادبیات فارسی

حسین قاسم‌پور مقدم

است که طی آن دانش آموز در حافظه‌ی خود به جست و جو می‌پردازد تا اطلاعات از قبل کسب شده را باز یابد و به همان صورت یا با شکل جدید عرضه کند. دانش آموز قبلاً در فارسی سال سوم راهنمایی و ادبیات فارسی ۱ و ۲ با اشعاری از حافظ آشنا شده و می‌تواند بعضی از این اشعار را از حفظ بخواند؛ بنابراین، انتظار داریم با طرح سؤال یا توضیح مطلبی درباره‌ی حافظ، او بتواند مطالبی را درباره‌ی حافظ بیان کند. پس از آن که دانش آموزان مدت زمانی هر چند محدود درباره‌ی حافظ و شعرا و سخن گفتند، معلم می‌تواند وارد تدریس اصلی شود.

عملکرد دوم: کاربرد عملکردی است که بر اساس آن دانش آموز مفاهیم و موضوعات از قبل آموخته را در شرایط و موقعیت‌های تازه به کار می‌گیرد. او در این درس ایات دیگری را غیر از آن چه در درس آمده، می‌خواند و پیام‌های درونی آن‌ها را توضیح می‌دهد.

عملکرد سوم: کشف یا ابداع عملکردی است که بر اساس آن دانش آموز در ذهن خود اطلاعات مربوط به حافظ و شعر او را که قبلاً دریافت شده، جمع‌بندی می‌کند و در پایان به یک نتیجه‌گیری تازه (هر چند ساده) می‌رسد. البته باید توجه داشت که کشف نکته‌ی تازه به منزله‌ی کشف و طرح آن برای نخستین بار نیست بلکه مراد این است که دانش آموز برای نخستین بار به آن پی برده و این کشف توسط خود او صورت گرفته است. بدون آن که معلم در این باره سخن گفته باشد؛

پیشین را شناسایی کند و در جهت تکمیل مباحث آموزشی و اصول تدریس گام‌های مؤثری بردارد. در طبقه‌بندی اهداف از نظر گانه، تنها یک نوع عملکرد به عنوان محصول نهایی آموزش و تدریس مورد نظر بود؛ در حالی که «مریل» معتقد است برای اهداف گوناگون می‌توان عملکردهای متفاوتی را پیش‌بینی کرد. بر همین اساس، او عملکردها را به سه دسته تقسیم می‌کند: یادآوری، کاربرد و کشف یا ابداع. علاوه بر این سه عملکرد، به نظر مریل محتوای هر درس از چهار عنصر اساسی تشکیل می‌شود: حقایق، مفاهیم، روش کار و اصول یا قوانین.

هتر است انواع عملکردها و موضوعات (عناصر محتوای آموزشی) را با یک مثال

				کشف یا ابداع
				کاربرد
				یادآوری
	حقایق	مفاهیم	روش کار	قوانین

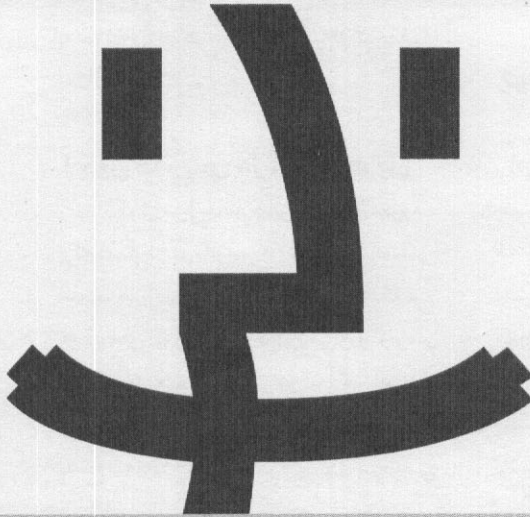
جدول شماره ۱- انواع عملکردها و موضوعات در الگوی مریل

روشن کنیم. می‌خواهیم درس نهم کتاب ادبیات فارسی (۳، ۴) را با عنوان «از حافظ چه می‌توان آموخت» آموزش دهیم. عملکردهای مورد انتظار ما در این درس به شرح زیر خواهد بود:

عملکرد اول: یادآوری - عملکردی

در شماره‌های قبل، با دو الگوی معروف یعنی «الگوی عمومی تدریس» و «الگوی تدریس گانه» آشنا شدیم. بر اساس اصول ارائه شده در الگوی عمومی تدریس، هدف معلم از تدریس این است که دانش‌آموزان خود را به انتظارات آموزشی برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی برسانند؛ مثلاً بتوانند شعر «علی‌ای همای رحمت» شهریار را به درستی بخوانند. در این حالت، برای معلم تعمیق و تثبیت یادگیری مطرح نیست بلکه او بیش از همه می‌کوشد تا به تدریج در رفتار دانش‌آموزان (دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها) تغییراتی مطلوب ایجاد شود. در مقابل این الگو، الگوی گانه را طرح کردیم. طبق اصول اساسی گانه، باید کاری کنیم که جریان یاددهی - یادگیری برای دانش‌آموز معنادار شود و این امر تحقق نمی‌یابد مگر زمانی که دانش‌آموز قادر باشد اطلاعاتی را که در حافظه‌اش ثبت شده دست‌کاری و در آن دخالت کند. به اعتقاد گانه، عملکرد دانش‌آموز باید مورد توجه معلم باشد. این عملکرد ناشی از زنجیره‌ای از قابلیت‌های ذهنی (راهبردهای شناختی، اطلاعات لغوی، مهارت ذهنی و ...) است که معلم قبل از تدریس باید آن‌ها را مشخص نماید.

در این شماره قصد داریم یکی دیگر از الگوهای طراحی آموزشی و تدریس را معرفی و تشریح کنیم. الگوی مورد نظر ما «الگوی مریل» نام دارد. از نظر زمانی مریل نظریات و اصول علمی و کاربردی خود را پس از گانه مطرح ساخت و به همین جهت توانست نارسایی‌ها و کمبودهای الگوهای



مثلاً ممکن است دانش آموز به این نتیجه برسد که حافظ با طرح سخنان دو پهلو ضمن طرح واقعیات اجتماعی عصر خویش از

شدنی است؛ یعنی، دانش آموز بر مبنای ویژگی های تعیین شده، به جست و جوی ابیات نمونه می پردازد. دوم این که به ترتیب به یافتن مصداق ها اقدام می کند. سوم این که

در پایان مطالعه ی خود به نتیجه ی خاصی دست می یابد.

✳ **اصول یا قوانین:** در الگوی مریل قوانین نیز دقیقاً مشابه قواعد در الگوی گانیه است و مراد از آن روابط علی و معلولی بین پدیده ها و شرایطی است که برای تبیین و تفسیر حوادث به کار می رود؛ مثلاً می توان گفت که حافظ و شعر او معلول شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی، دینی و تاریخی عصر خویش اند و به دنبال این نکته در تحلیل شعر حافظ، می توان نتیجه گیری کرد که ریا و نفاق حاکم بر اعمال دست اندرکاران حکومتی بیش از عوامل دیگر باعث بروز ایهام گوئی و طنز در شعر حافظ شده است.

الکون با توجه به جدول بالا، می توان اهداف

✳ **مفاهیم:** در الگوی مریل مفاهیم دقیقاً شبیه به مفاهیم در الگوی گانیه است و به مجموعه ای از اشیا، حوادث و پدیده ها گفته می شود که ویژگی ها و خصوصیات مشابه داشته باشند. برای نمونه به سخنی که موزون، مقفی و مخفیل باشد، شعر می گویند؛ بنابراین، به تمامی گفته ها و نوشته ها که این ویژگی ها را داشته باشند شعر می گوئیم؛ زیرا از خصوصیات مشابهی برخوردارند. در زبان های زنده ی دنیا از جمله زبان فارسی بسیاری از واژگان نماینده ی مفاهیم هستند. به عبارت ها و ابیات زیر از این درس توجه کنید:

– حافظ آموزگار نیست، معلم اخلاق نیست، واعظ نیست اما نفوذ کلام عظیمی دارد.

– بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود زین سیل دمام که در این منزل خواب

است

✳ **روش کار:** منظور از روش کار، مجموعه ی فعالیت های نظام یافته ای است که برای دست یابی به یک هدف یا حل یک مسئله یا تولید یک محصول خاص انجام می گیرد. برای مثال، تحلیل اشعار حافظ و ارائه ی نمونه های دیگری از شعر او یک نوع روش کار به شمار می رود؛ زیرا اولاً مراحل کار تعیین

مفاسد و منکرات عاملان حکومتی انتقاد می کند و این مطلب به این صورت در کتاب طرح نشده باشد. در این حالت، می گوئیم عملکرد او در سطح کشف قرار دارد:

در میخانه بیستند خدایا مپسند که در خانه ی تزویرو ریا بگشایند اکنون به تبیین انواع موضوعات (عناصر محتوایی درس) در درس نهم می پردازیم:

✳ **حقایق:** در الگوی مریل حقایق شبیه اطلاعات لغوی در الگوی گانیه است. منظور از آن مجموعه ای از اطلاعات و دانش ها مانند اسامی خاص، تاریخ حوادث مهم، نام مکان ها، نشانه های قراردادی موجود در درس زبان و ادبیات فارسی است. حقایق این درس عبارت اند از: حافظ، غزل فارسی، نگاه حافظ، انتقاد، عشق، توکل، مناعت طبع و ... همان طور که در جدول شماره ی ۲ ملاحظه می کنید، تنها عملکرد مورد انتظار در عنصر «حقایق» یادآوری آن هاست؛ زیرا انسان یا حقایق را می داند یا نمی داند. در صورت دانستن، هنگامی که مورد سؤال قرار می گیرد، آن ها را به یاد می آورد. یادآوری حقایق درس «از حافظ چه می توان آموخت؟» می تواند به شکل های مختلف مثل گفتن، نوشتن، اشاره کردن و انتخاب یک گزینه از میان چند گزینه باشد.

x	x	x	کشف
x	x	x	کاربرد
x	x	x	یادآوری
قوانین	روش کار	مفاهیم	عملکرد عناصر درس

جدول شماره ی ۲ - عملکردها و عناصر در درس «از حافظ چه می توان آموخت؟»

از دیوان حافظ بیان می کنیم (مثال).

توالی و ترتیب آموزش

چگونگی تدریس هر کدام از دروس زبان و ادبیات فارسی به نوع موضوع (موضوعات چهارگانه) و عملکردی (عملکردهای سه گانه) بستگی دارد که انتظار داریم دانش آموز در پایان آموزش داشته باشد. همان طور که دیدیم، هر درس متشکل از دو جزء تعمیم و نمونه است که برای کل آموزش منظور می شود. در این جا برای روشن شدن ترتیب و توالی آموزش، به اجزای عملکرد (یادآوری) نیز اشاره می شود. این اجزا عبارت اند از: الف - یادآوری لفظی تعمیم، ب - یادآوری لفظی مثال، پ - یادآوری معنایی تعمیم، ت - یادآوری معنایی مثال. در یادآوری لفظی تعمیم از دانش آموز می خواهیم تا با توجه به توضیحات کتاب و معلم درباره زندگی و شعر حافظ سخن بگوید که در این حالت جست و جو در حافظه کم تر و مدت آن کوتاه تر است اما در یادآوری معنایی تعمیم، دانش آموز تعاریف، توضیحات و تعمیم های آموخته را با ساختار قبلی ذهن خود تلفیق کرده، مطالبی را افزون بر آن چه در درس ذکر شده است، بیان می کند. در یادآوری لفظی مثال از دانش آموز می خواهیم تا یکی از نمونه های به کار رفته در درس «از حافظ چه می توان آموخت؟» را ذکر کند. در این حالت نیز لازم نیست دانش آموز در ذهن خود به تلاش و جست و جوی بیشتری بپردازد. او به آسانی می تواند دو نمونه از مثال های کتاب را بگوید. در یادآوری معنایی مثال از دانش آموز می خواهیم مثالی ذکر کند که در طول تدریس یا در محتوای درس به کار نرفته است. او باید با توجه به برداشت و استنباط خود از مفاهیم درس، مثال های دیگری را بیان کند. در این حالت، احتمال خطا و اشتباه وجود دارد؛ زیرا دانش آموز به زمان زیادی نیاز دارد تا در ذهن خود به جست و جو بپردازد. البته این فرض نسبی و مراد آن بیشتر دانش آموز متوسط است.

امتحان می توانیم آن ها را با تغییر جملات به عنوان سؤال طرح کنیم و از میزان تحقق اهداف آگاه شویم.

اصول تدریس در الگوی مریل

الگوی مریل مانند سایر الگوهای معروف برای استفاده در تدریس مناسب و عملی است. مریل نیز مانند گانیه معتقد است که نوع هدف های آموزشی، روش یادگیری و نحوه ی آموزش را تعیین می کند. در این جا اصول تدریس و طراحی آموزشی را از نظر مریل و در پاسخ به سؤالات محوری زیر بررسی می کنیم.

- ۱- اجزای تشکیل دهنده ی آموزش و تدریس کدام اند؟
- ۲- ترتیب و توالی آموزش چگونه است؟
- ۳- اصول و شیوه های ارائه ی مطالب و سنجش آموخته ها چیست؟

اجزای آموزش

از نظر مریل موضوعات درسی از دو جزء تشکیل می شوند:

الف - تعمیم ها ب - مثال ها

تعمیم عبارت از تعریف مفاهیم، شرح کلی روش کار و اصول یا قوانین و در واقع مترادف با تعریف است. در این درس، ویژگی های شعر حافظ را بررسی خواهیم کرد. وقتی درباره ی مفهوم توکل و بی اعتنایی به امور دنیوی توضیح می دهیم، از تعمیم سود می جویم اما زمانی که برای این مفاهیم نمونه ایاتی را مثال می آوریم، از جزء (مثال) بهره می گیریم. باید توجه داشته باشیم که حقایق تعمیم ندارند؛ زیرا اطلاعاتی خاص از مواردی خاص هستند؛ مثل نام شهرها و اشخاص. بنابراین، به هنگام تدریس درس «از حافظ چه می توان آموخت؟» آموزش ما دو جزء اصلی دارد: یا درباره ی ویژگی های شعر حافظ به عنوان مجموعه ای از حقایق و مفاهیم و روش کار توضیح می دهیم (تعمیم) یا برای تثبیت و تعمیق یادگیری نمونه ایاتی را

آموزشی درس را شناسایی و تفکیک کرد و آن ها را به ترتیب از ساده به مشکل نوشت؛ مثلاً از دانش آموزان انتظار داریم که برای مفهوم «رضا» در شعر حافظ ابیات دیگری غیر از آن چه در کتاب آمده بیان کنند (کاربرد) یا پس از مطالعه ی دیوان حافظ و انتخاب ابیات نمونه، درباره ی نوع و نحوه ی مطالعه ی خود و نتیجه ی آن سخن بگویند (یادآوری و کشف). همان طور که در شماره های گذشته نیز اشاره کردیم، در نوشتن اهداف آموزشی، لازم است نکاتی را رعایت کرد که به برخی دیگر از آن ها در این جا اشاره می شود:

- ۱- رفتاری (دانش، مهارت و گرایش) که دانش آموز از نظر سطح و نوع عملکرد باید از خود نشان دهد، مشخص شود.
- ۲- محدودیت هایی که دانش آموز ممکن است به هنگام یادگیری با آن ها مواجه شود، به طور دقیق مشخص گردد؛ مثلاً آیا دانش آموزان قبلاً با اشعار حافظ به اندازه ی کافی آشنا شده اند؟ آیا دیوان حافظ در دسترس آن ها قرار دارد؟
- ۳- باید معیاری قابل قبول برای تحقق هر یک از هدف های درس معین شود؛ مثلاً دانش آموز باید چه مقدار از ویژگی های حافظ را در شعر او پیدا کند و نشان بدهد. در واقع حداقل و حداکثر عملکرد و فعالیت باید روشن باشد.
- ۴- پس از شناسایی و تعیین اهداف بهتر است آن ها را به ترتیب اولویت در یادگیری مرتب کنیم. این امر نه تنها موجب تسهیل و تعمیق یادگیری می شود بلکه به فعالیت های معلم نیز نظم و توالی منطقی می بخشد.
- ۵- باید توانایی ها و اطلاعات قبلی دانش آموزان را در نظر داشته باشیم. نباید اهداف دور از دسترس را نوشت که دانش آموز پس از یک جلسه تدریس یا یک دوره ی تحصیلی حتی به حداقل آن ها هم دست نمی یابد در عین حال، اهداف نباید چنان ساده باشند که یادگیری درس را برای دانش آموز کسالت آور کنند؛ بنابراین، اگر اهداف درس را به خوبی و به درستی تعیین کنیم، هنگام

بنابراین، ترتیب و توالی تدریس با توجه به ماهیت درس، آمادگی دانش آموزان و تشخیص معلم از کلاسی به کلاس دیگر متفاوت است. ممکن است در یک درس ترتیب از بیان مثال‌های لفظی آغاز گردد و به بیان تعمیم‌های معنایی منتهی شود. به اعتقاد مریل، بهتر است ترتیب و توالی آموزش به صورت زیر باشد:

یادآوری لفظی تعمیم ← یادآوری لفظی
مثال ← یادآوری معنایی تعمیم ← یادآوری معنایی مثال

روش‌های ارائه‌ی درس

تعمیم‌ها و مثال‌ها به عنوان اجزای اصلی آموزش به دو صورت قابل ارائه هستند: بیانی (توضیحی) و سؤالی. زمانی که از دانش آموز می‌خواهیم ویژگی‌های شعر حافظ را برشمارد، نحوه‌ی پیدا کردن ابیات نمونه از دیوان حافظ را شرح دهد یا پس از مطالعه‌ی ویژگی‌های گفته شده به نتیجه‌گیری بپردازد، روش ارائه‌ی درس و به طور کلی روش تدریس ما روش سؤال از تعمیم‌هاست. در مقابل، زمانی که از دانش آموز می‌خواهیم تا نمونه‌ای از ویژگی‌های حافظ را با ذکر مثال توضیح دهد یا یکی از نتایج درس را همراه با مثال بیان کند، روش ما روش سؤال از مثال‌هاست. در روش ارائه‌ی سؤالی، معلم درس «از حافظ چه می‌توان آموخت؟» را با طرح چند سؤال اساسی می‌آغازد و به دنبال آن سؤال‌های دیگری را نیز

طرح می‌کند اما در ارائه‌ی بیانی یا توضیحی، موضوع اصلی درس را به کمک ابزارهایی مانند اورهد یا اوپک تدریس می‌نماید.

از نظر مریل لازم است معلم به هنگام تدریس، به اصولی مانند تفکیک، تنوع، هم‌تاسازی و سطح دشواری توجه داشته باشد.

الف- اصل تفکیک: به هنگام استفاده از این الگو، باید اجزای آموزشی را از انواع عملکردها و روش‌های ارائه کاملاً تفکیک کرد. این برای معلم کاری ساده و آسان است و موجب تسهیل یادگیری می‌شود. از قبل برای خود مشخص می‌کنیم که آیا در این درس انتظار ما در سطح عملکرد یادآوری است یا عملکردهای کاربرد و کشف نیز باید محقق شود. آیا درس را به روش سؤالی ارائه کنیم یا به روش بیانی و توضیحی. همان‌طور که از عنوان درس برمی‌آید (از حافظ چه می‌توان آموخت؟) بهتر است هم در بخش تعمیم‌ها (بیان تعاریف) و هم در بخش مثال از روش سؤالی استفاده کنیم.

ب- تنوع: مثال‌ها و تعمیم‌هایی که در کلاس طرح می‌کنیم، باید متنوع باشند؛ به این معنی که برای هر کدام از تعمیم‌ها (مثلاً ویژگی‌های حافظ) مثال‌های مناسب و کافی ذکر شود. از آن‌جا که در هر بیت نمونه، ممکن است مفهوم مورد نظر ما (مثلاً توکل) از بعد خاصی مطرح شده باشد، بهتر است از نمونه‌های متنوعی استفاده شود.

پ- هم‌تاسازی: برای آن‌که به قدرت درک و فهم و تشخیص دانش آموز در یادگیری درس پی ببریم، باید به هنگام خواندن نمونه ابیاتی از حافظ برای یک ویژگی، از ابیات مشابهی نیز استفاده کنیم تا دانش آموز نمونه‌ی کاملاً درست و مورد نظر را انتخاب کند. این روش دانش آموز را برمی‌انگیزد که در مطالعه‌ی

متون ادبی به نقد و اظهار نظر نیز توجه داشته باشد.

ت- سطح دشواری: در انتخاب مطالب برای تدریس درس «از حافظ چه می‌توان آموخت؟» باید تعمیم‌ها و مثال‌ها را طوری انتخاب و ارائه کنیم که سطح آن‌ها از ساده به مشکل باشد. این امر معنادار شدن و تعمیق یادگیری را تضمین می‌کند. در این درس بهتر است ابتدا با طرح چند سؤال از ویژگی‌های حافظ فقط موارد ساده را تأیید کنیم. سپس، ابیات مربوط به این موارد را بخوانیم. طوری که ویژگی‌ها و مصداق‌های آن‌ها عینی و قابل فهم باشد. در ادامه از ویژگی‌هایی صحبت کنیم که مفاهیم نهفته در آن‌ها اندکی دشوارتر از موارد قبلی است. به این ترتیب، با رعایت سیر از ساده به دشوار می‌توانیم مطالب را به درستی تفهیم کنیم.

در استفاده از الگوی تدریس مریل بهتر است مراحل زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- ویژگی‌های دانش آموزان مخصوصاً میزان اطلاعات قبلی آنان از درس مورد نظر را تعیین کنیم.

۲- نوع عملکردی را که پس از آموزش از دانش آموزان انتظار داریم، تعیین کنیم (یادآوری، کاربرد، کشف)

۳- انواع ارائه‌ی درس را با توجه به ماهیت آن مشخص کنیم (سؤالی یا بیانی یا فقط تمرین)

۴- اصول اساسی تدریس را در کلیه‌ی مراحل آموزش رعایت کنیم (تفکیک، تنوع، هم‌تاسازی و سطح

دشواری)

توضیحات:

۱- مبانی نظری

تکنولوژی آموزشی،

دکتر هاشم فردانش انتشارات

سمت، ۱۳۷۲.

۲- شماره‌های ۴۵ و ۴۶

مجله‌ی رشد آموزش زبان و

ادب فارسی

نوع اجزای ارائه آموزش	سؤالی	بیانی
تعمیم	۱- شعر حافظ چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۲- آیا می‌توانید برخی از ویژگی‌های حافظ را در غزلیات او نشان دهید؟ ۳- آیا می‌توانید یکی از پیام‌های درس را بیان کنید؟	۱- حافظ فردی است که به شدت از اوضاع اجتماعی عصر خود انتقاد می‌کند. ۲- حافظ شیوه‌ی درست نگاه کردن به زندگی را به ما می‌آموزد.
مثال	۱- یکی از ویژگی‌های شخصیت حافظ را بیان کنید. ۲- برای یکی از ویژگی‌های حافظ، دو نمونه از ابیات او را مثال بزنید.	۱- حافظ از آمال و آلام همیشگی انسان سخن می‌گوید و به جای مسائل ادبی به مسائل ابدی می‌پردازد. ۲- حافظ در بیت زیر ما را به امیدواری دعوت می‌کند. دلا چو غنچه شکایت ز کار بسته مکن که باد صبح نسیم گره گشا آورد

جدول شماره ۳- روش‌های ارائه‌ی درس